

رابطه اوقات فراغت و بزهکاری

نمونه مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهر شیراز

بیژن خواجه‌نوری (استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، نویسندهٔ مسؤول)

bkhaje@rose.shirazu.ac.ir

فاطمه هاشمی نیا (دانشجوی جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز)

چکیده

بزهکاری نوجوانان از مسائل مهم در حوزه علوم اجتماعی محسوب می‌شود. همچنین، فعالیت‌های اوقات فراغت نوجوانان نیز از موضوعات مهمی هستند که متخصصین علوم اجتماعی و انسانی آنان را مورد مطالعه قرار می‌دهند. مطالعه حاضر به بررسی رابطه فعالیت‌های اوقات فراغت و بزهکاری در بین یک نمونه تصادفی شامل ۶۱۰ نفر دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستان‌های شهر شیراز پرداخته است. پرسش‌نامه تحقیق حاضر از شامل از دو مجموعه سؤالات در خصوص میزان گذران اوقات فراغت و فعالیت‌های بزهکارانه بوده است. پایایی گویه‌های گذران اوقات فراغت برابر با ۰/۸۳ و پایایی گویه‌های بزهکاری برابر با ۰/۸۸ بوده است. نتایج نشان داده است که بین فعالیت‌های اوقات فراغتی سازمان یافته و رفتارهای بزهکارانه رابطه منفی وجود دارد اما بین فعالیت‌های فراغتی سازمان نیافته و بزهکاری رابطه معنادار مثبتی وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از مدل رگرسیونی با چهار متغیر وقت تلف کردن، جنسیت، جامعه‌پذیری بدون نظارت و اوقات فراغت سازمان یافته بر روی هم ۲۳٪ تغییرات متغیر بزهکاری را تبیین کرده است.

کلید واژه‌ها: اوقات فراغت، بزهکاری، نوجوانان.

مقدمه

آمارهای جمعیتی نشان‌دهنده جوانی جمعیت ایران در سال‌های اخیر می‌باشد. همچنین اطلاعات آماری نشان می‌دهند که رشد بزهکاری که مرتبط با سنین جوانی می‌باشد، در

سال‌های اخیر در حال افزایش است (علی‌وردی‌نیا و آرمان‌مهر، ۱۳۸۷). رابطه بین متغیرهایی همچون وضعیت اجتماعی - اقتصادی والدین (علی‌وردی‌نیا و دیگران، ۱۳۸۷؛ قریش‌زاده و حسینی، ۱۳۷۹)، پیوندهای اجتماعی (جلایی‌پور و حسینی‌نثار، ۱۳۸۷)، پیش‌رفت تحصیلی (احمدی و دیگران، ۱۳۸۰) و نهایتاً طبقه اجتماعی (بیکر و محل‌کوپ^۱، ۲۰۰۶؛ باسیلوسکی^۲، ۱۹۷۵؛ واکس^۳، ۱۹۷۲) با بزهکاری مورد مطالعه قرار گرفته است. اما مطالعات جامعه‌شناسان نشان می‌دهد که دوره جوانی مرحله‌ی انتقال تدریجی از وابستگی دوران کودکی به وضعیت استقلال دوران بزرگسالی است (روس^۴ و همکاران، ۲۰۰۴). از آنجا که افزایش طول تحصیلات، تأخیر در اشتغال و همچنین مشکلات مسکن و مانند آن موجب شده است تا جوانان دیرتر ازدواج کرده و همچنان در خانه پدری به سر برند، این دوره انتقالی با پیچیدگی‌هایی روبه‌رو شده است (شفرز، ۱۳۸۳: ۲۷). بدین جهت است که برخی بر این باورند که سبک زندگی شاخصه اجتماعی مناسب‌تری برای مفهوم بلوغ و طرح مسائل جوانان نسبت به زمینه‌های خانوادگی و اجتماعی است (روس و همکاران، ۲۰۰۴). در واقع سبک زندگی آنچنان‌که گیدنز مطرح می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۰-۱۲۱) می‌تواند انتخاب ارادی جوانان را مستقل از ویژگی‌های خانوادگی آن‌ها حداقل به‌طور نسبی نشان دهد.

یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی، اوقات فراغت است. فعالیت‌های اوقات فراغت دوران نوجوانی عموماً برای رفتارهای اوقات فراغت در دوران بزرگی بسیار مهم تلقی گردیده است (هامبر^۵ و همکاران، ۲۰۰۶؛ تامپسون^۶ و همکاران، ۲۰۰۳؛ فیلیپ^۷، ۱۹۹۸). آدامز و

۱-Becker&Mehlkop

۲-Basilevsky

۳-Wax

۴-Roos

۵-Humber

۶-Thompson

۷-Philipp

گولتا^۱ بر این باورند که اوقات فراغت تنها نهادی است که امروزه در زندگی نوجوانان می‌تواند با مدرسه و خانواده رقابت داشته باشد (آگنیو و پترسن^۲، ۱۹۸۹). آگنیو و پترسون معتقدند که اوقات فراغت تأثیر قاطعی بر رشد اجتماعی و روانی نوجوانان می‌گذارد (همان). متأسفانه در ایران مطالعات بسیار کمی بر روی رابطه اوقات فراغت و بزهکاری در بین نوجوانان و جوانان انجام شده است. در برخی از مطالعات که به بررسی بزهکاری این گروه سنی پرداخته‌اند، اوقات فراغت یکی از متغیرهای مستقل در میان سایر متغیرها بوده است. لذا بررسی رابطه دو متغیر فوق در شرایطی که جمعیت ایران جوان است و این گروه سنی با مسائل مختلفی روبه‌رو است، از اهمیت زیادی برخوردار بوده و ضروری می‌نماید. مطالعه حاضر به بررسی این سؤال می‌پردازد که آیا اوقات فراغت بر روی بزهکاری نوجوانان شهر شیراز تأثیرگذار می‌باشد؟ و اگر پاسخ این سؤال مثبت است، کدام بخش‌های اوقات فراغت تأثیر بیشتری بر بزهکاری نوجوانان دارد؟ اهمیت این مطالعه در آنجا است که اگر رابطه بین اوقات فراغت و ابعاد آن را با بزهکاری نوجوانان دریابیم، می‌توانیم در تغییر رفتارهای فراغتی نوجوانان و کاهش بزهکاری در میان آن‌ها اقدامات لازم را به‌عمل آوریم.

مروری بر مطالعات پیشین

در ایران مطالعه بر روی اوقات فراغت اگر چه زیاد نیست اما تعدادی قابل توجهی صورت گرفته است (تندنویس، ۱۳۸۱). اما عمده مطالعات انجام شده یا به بررسی اوقات فراغت به عنوان یکی از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد بررسی پرداخته‌اند و یا اوقات فراغت به عنوان متغیر وابسته مورد توجه بوده است. اما در این میان تعداد محدودی از مطالعات رابطه میزان فعالیت‌های فراغتی را بر روی بزهکاری نوجوانان چه به‌طور مستقل و یا به‌عنوان متغیر

۱-Adams&Gullotta

۲-Agnew&Petersen

مستقلی در میان سایر متغیرهای مستقل آزموده‌اند. مطالعه احمدی و دیگران (۱۳۸۰) نشان داده است که بین نحوه اوقات فراغت و بزهکاری رابطه معنی‌داری وجود دارد. مشکانی و مشکانی در مطالعه خود بر روی گروهی از جوانان شهر تهران بین گذران اوقات فراغت و بزهکاری رابطه معنی‌داری نیافته‌اند (مشکانی و مشکانی، ۱۳۸۱).

علی‌وردی‌نیا و آرمان‌مهر در مطالعه خود دریافته‌اند که افزایش مشغولیت ورزشی به عنوان نوعی سبک زندگی با افزایش بزهکاری رابطه مثبت و معنی‌داری داشته است (علی‌وردی‌نیا و آرمان‌مهر، ۱۳۸۷). هاشمیان در مطالعه خود نشان می‌دهد که سبک زندگی پرخطر در خانواده با بزهکاری (فرار از خانه) نوجوانان دختر رابطه معنی‌دار و مثبت داشته است. همچنین برخی از رفتارهای پرخطر جوانان (مصرف نوشابه‌های الکلی و یا سیگار کشیدن) با فرار از خانه دارای رابطه می‌باشد (هاشمیان، ۱۳۸۱). واگنر^۱ و همکارانش در مطالعه خود نشان دادند که به دلیل فقدان منابع اوقات فراغت برای برخی از گروه‌های اقلیتی، درگیر شدن جوانان در فعالیت‌های اوقات فراغتی سالم محدود شده است. لذا بسیاری از جوانان وقت خود را در گروه‌های خارج از خانه و در خیابان‌ها سپری کرده‌اند (واگنر و همکاران، ۲۰۰۶). روبرستون^۲ به بررسی فعالیت‌های اوقات فراغتی منحرفانه پرداخته است (روبرستون، ۱۹۹۴). اسمیت^۳ و همکارانش نشان دادند که شیوه زندگی بزهکارانه در دوران کودکی رابطه معنی‌داری با بزهکاری در دوران نوجوانی افراد دارد (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۱).

برخی از مطالعات که به رابطه سبک زندگی و رفتارهای مرتبط با سلامت نوجوانان پرداخته‌اند نشان داده‌اند که بین این دو مفهوم به خصوص در ارتباط با نوشیدن نوشابه‌های الکلی، سیگار کشیدن و مصرف مواد مخدر رابطه قوی وجود دارد (کارونن^۴ و همکاران،

۱- Wegner.

۲- Roberston.

۳- Smith.

۴- Karvonen

۲۰۰۱). مطالعه یین^۱ و همکارانش نشان داد که نوجوانانی که اوقات فراغت خود را در بین دوستان در فعالیت‌های بدون نظارت می‌گذرانند، بیش از جوانانی رفتار بزهکارانه از خود نشان می‌دهند که به فعالیت‌های اوقات فراغتی سازمان‌یافته و فعالیت‌های ورزشی و همچنین فعالیت‌های درون‌خانه می‌پردازند (یین و همکاران، ۱۹۹۹). مطالعه آگنیو و پترسون نیز نشان داد که مشارکت در فعالیت‌های فراغتی سازمان‌یافته با بزهکاری کلی دارای رابطه منفی و معناداری است. همچنین وقت تلف کردن و ول‌گشتن با بزهکاری رابطه معنادار مثبتی دارد. از سوی دیگر، فعالیت‌های سرگرمی منفعلانه با بزهکاری کلی دارای رابطه منفی بوده است (آگنیو و پترسن، ۱۹۸۹).

دیدگاه‌های نظری بزهکاری

نظریه‌ها و مدل‌های گوناگونی برای تبیین گسترش رفتارهای بزهکارانه توسط جامعه‌شناسان و اندیشمندان حوزه‌های تربیتی و روان‌شناسی مطرح شده است. عواملی که مورد توجه قرار گرفته‌اند شامل فشارهای اجتماعی (آگنیو، ۱۹۸۵، ۱۹۸۹، ۱۹۹۲؛ آگنیو و وایت^۲، ۱۹۹۲؛ های و ایونز^۳، ۲۰۰۶؛ آگنیو و پترسون، ۱۹۸۹)، کنترل اجتماعی (بارون و همکارانش^۴، ۲۰۰۷؛ شرک و همکارانش^۵، ۲۰۰۶)، شکست تحصیلی (والکر و همکارانش^۶، ۱۹۹۹)، محیط خانوادگی (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۳۱؛ گریکین و همکاران^۷، ۲۰۰۴؛ وون^۸، ۲۰۰۴؛ کالدول و دارلینگ^۹، ۱۹۹۹؛ ویدانوف و دونللی^{۱۰}، ۱۹۹۸؛ پاترسون و استوتامر-لثوبر^۱، ۱۹۸۴؛

۱- Yin

۲- Agnew&White

۳- Hay&Evans

۴- Baron

۵- Schreck

۶- Walker

۷- Grekin

۸- Kwon

۹- Caldwell&Darling

۱۰- Voydanoff&Donnelly

کلی و همکاران^۲، ۲۰۰۴؛ آیسو-آهولا و کرولی^۳، ۱۹۹۱؛ آیسو-آهولا و ویسینگر^۴، ۱۹۸۷)، اوقات فراغت ملال انگیز^۵ (کلی و همکاران، ۲۰۰۴؛ پاترسون و همکاران، ۲۰۰۰؛ آیسو-آهولا و کرولی، ۱۹۹۱؛ آیسو-آهولا و ویسینگر، ۱۹۸۷)، کنش متقابل نمادی و هویت اجتماعی (بونفیلد و تامپسون^۶، ۲۰۰۵؛ هیمر و ماتسودا^۷، ۱۹۹۴) بوده است.

نظریه کنترل اجتماعی بر این باور است که بزهکاری نتیجه فقدان پیوندهای اجتماعی بین نوجوانان و یک یا چند نهاد متعارف مؤثر همچون والدین، معلم‌ها به عنوان مدل‌های نقشی، مدرسه و یا برنامه‌های اجتماعی به عنوان خطوط متعارف فعالیت‌ها می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۴: ۸۷-۸۶؛ محسنی، ۱۳۸۶: ۷۲). مدل شکست تحصیلی بر این اعتقاد است که رفتار ضد اجتماعی به واسطه پیشرفت تحصیلی ضعیف، رخ می‌دهد (فیلیپ و کلی، ۲۰۰۹). نظریه اوقات فراغتی ملال انگیزمدعی است که وقتی نیاز تهییج^۸، چالش و یا تحریک^۹ شدن به طرقی که به لحاظ اجتماعی مورد تأیید است رفع نشود، نوجوانان احتمالاً درگیر رفتارهای بزهکارانه که شامل پرخاشگری، گروه‌های تبهکاری و مانند آن‌ها می‌گردد، می‌شوند (پاترسون، ۲۰۰۰؛ آیسو-آهولا و کرولی، ۱۹۹۱؛ آیسو-آهولا و ویسینگر، ۱۹۸۷).

نظریه پردازان کنش متقابل نمادی جرم و بزهکاری به دوران مید و کولی بر می‌گردند و تأکید بر اهمیت هویت یا خود پنداره^{۱۰} به عنوان پیش‌بینی کننده مهم رفتار دارند (برونفیلد و تامپسون، ۲۰۰۵). نظریه همنشینی افتراقی که بر اهمیت تعاریف یا زیان^{۱۱} به عنوان علت جرم

۱- Patterson&Stouthamer-Loeber

۲- Kelly

۳- Iso-Ahola&Crowley

۴- Iso-Ahola,&Weissinger

۵- Leisureboredomtheory

۶- Brownfield&Thompson

۷- Heimer&Matsueda

۸- Excitement

۹- Stimulation

۱۰- Self-concept

۱۱- lose

تأکید می‌گذارند، مبتنی بر کنش متقابل نمادی است (هایمر و ماتسودا، ۱۹۹۴). مدل فشار اجتماعی مدعی است که نوجوانان، به خصوص نوجوانان پایگاه‌های اجتماعی اقتصادی پایین‌تر هنگامی به رفتارهای بزهکارانه می‌پردازند که از طریق کانال‌های به لحاظ اجتماعی مشروع نتوانند نیازهای خودشان را برآورده سازند (آگنیو و پترسن، ۱۹۸۹).

چارچوب نظری تحقیق

در مطالعاتی که امروزه بر روی بزهکاری نوجوانان در یکی دو دهه اخیر در جریان است، می‌توان به این امر پی‌برد که تمایلی وجود دارد تا رابطه بین برخی از فعالیت‌های زمان فراغت و بزهکاری را مورد بررسی قرار دهند (آگنیو، ۱۹۸۹؛ آگنیو پترسون، ۱۹۸۹؛ آکر و لیس، ۲۰۰۱). پژوهشگرانی مانند آگنیو و پترسن بر این باورند که فعالیت‌های زمان فراغت نقش مهمی در فهم بزهکاری نوجوانان دارند (آگنیو، ۱۹۸۹؛ آگنیو و پترسن، ۱۹۸۹). همچنان‌که پیش‌تر گفته شد، به نظر آدامز و گولتا نهاد اوقات فراغت از آنچنان اهمیت زیادی برخوردار است که می‌تواند با مدرسه و خانواده رقابت کند و تأثیرات شگرفی بر رشد اجتماعی و روانی نوجوانان اعمال نماید (آگنیو و پترسن، ۱۹۸۹).

نظریه فشار اجتماعی معتقد است که نوجوانان به هنگامی که نتوانند از مجاری مشروع آنچه را که می‌خواهند به دست آورند، به بزهکاری روی می‌آورند. آن‌ها احساس ناکامی کرده و نسبت به کسانی که در اطرافشان هستند، خشونت خواهند داشت. عمده‌ترین تبیین بر پایه نظریه فشار در مورد رابطه اوقات فراغت و بزهکاری این است که به لحاظ اجتماعی، اوقات فراغت روزنه‌های قابل قبولی را برای ناکامی که توسط جهان غیرفراغتی تولید شده است، فراهم می‌سازد (همان). تبیین دومی که بر مبنای نظریه فشار بیان شده است این است که نوجوانان نیاز به فراغت و یا به طور عام‌تر به هیجان و سرگرمی دارند (همان). اگر نوجوانان قادر نباشند که این نیازها را از طریق کانال‌های به لحاظ اجتماعی پذیرفته شده ارضا کنند، ممکن است که برای ارضای آن از طریق مجاری بزهکارانه عمل نمایند (همان).

اگنیو و پترسن بر این باورند که تأثیرات فشارهای اجتماعی و فقدان کنترل اجتماعی بر بزهکاری نوجوانان می‌تواند از طریق مشارکت در انواع فعالیت‌های فراغتی و سرگرمی متعارف صورت گیرد. درگیر شدن در فعالیت‌های فراغتی سازمان‌یافته، پیوند با ارزش‌ها و هنجارهای متعارفی که برای کاهش تأثیرات منفی فشارهای اجتماعی به کار می‌روند را تسهیل می‌کند و کنترل اجتماعی مثبت را ارتقاء می‌بخشد. بر عکس زمان زیادی که در فعالیت‌های سازمان‌نیافته و بدون نظارتی صرف می‌شود، به آشنا شدن با فرصت‌هایی می‌انجامد که در آن‌ها نوجوانان با ارزش‌ها و هنجارهای ضد اجتماعی پیوند می‌خورند. این امر می‌تواند متعاقباً به بزهکاری بینجامد (همان).

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین فعالیت‌های فراغتی سازمان‌یافته و بزهکاری نوجوانان رابطه منفی وجود دارد.
- ۲- بین فعالیت‌های فراغتی بدون نظارت و بزهکاری نوجوانان رابطه مثبت وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش، پیمایشی است و با تکنیک پرسش‌نامه خود اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شد. واحد تحلیل فرد و سطح تحلیل، خرد می‌باشد. جامعه آماری تحقیق دانش‌آموزان دختر و پسر مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۸۶-۸۷ در شهر شیراز بوده‌اند. در سال تحصیلی ۸۶-۸۷ کل دانش‌آموزان دختر و پسر شهر شیراز برابر با ۵۲۸۲۸ نفر بود که چهار ناحیه به تحصیل مشغول بوده‌اند (سازمان آموزش و پرورش فارس معاونت پژوهش و برنامه ریزی منابع انسانی، گروه طرح و برنامه، ۱۳۸۷). نمونه‌گزینی با ضریب پایایی ± 4 ، ضریب اطمینان ۹۵٪ و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد (فرض بالاترین حد واریانس در جمعیت) برابر با ۵۹۷ نفر بود که برای دسترسی به این مقدار پرسش‌نامه‌های شهر شیراز به ۶۱۰ پرسش‌نامه رسانده شدند که تمامی پرسش‌نامه‌ها به دست آمد.

شیوه نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بود. بر اساس جمعیت هر ناحیه سهمی از نمونه به نواحی اختصاص یافت. در هر ناحیه به نسبت مدارس دخترانه و پسرانه سهمی به هر یک از دو جنس داده شد. سپس در هر ناحیه تعدادی از دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه به طور تصادفی انتخاب و بر اساس جمعیت هر مدرسه نیز همچنان به نسبت پرسش‌نامه‌ها توزیع شدند. در این مرحله سعی شد که بر اساس مقطع تحصیلی (اول تا سوم و همچنین در مدارس پیش‌دانشگاهی) به نسبت پرسش‌نامه توزیع گردد. در مرحله نهایی به هنگام توزیع پرسش‌نامه‌ها در کلاس تلاش شد تا به طور تصادفی دانش‌آموزان انتخاب گردند.

پرسش‌نامه توسط خود دانش‌آموزان تکمیل و پس از واریسی توسط پرسش‌گران آموزش دیده (دانشجویان سال‌های سوم و چهارم دانشگاه) جمع‌آوری شدند. جهت تعیین اعتبار و پایایی پرسش‌نامه از دو نوع اعتبار محتوی (اعتبار صوری) استفاده شد. برای اعتبار صوری پرسش‌نامه به تعدادی از صاحب‌نظران و همچنین چندین تن از پسران و دختران دبیرستانی و دانشجوی سال اول و دوم ارایه شد. برای محاسبه پایایی گویه‌های پرسش‌نامه از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شد. بدین صورت که پس از تأیید جمع‌آوری پرسش‌نامه نهایی، ضریب همسازي درونی گویه‌های مربوط به شاخص اوقات فراغت و بزهکاری از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد.

تعریف مفاهیم

نوجوان^۱: لارنس اشتینبرگ معتقد است که برخی از پژوهشگران مرز نوجوانی را ۱۳ تا ۱۹ سالگی می‌دانند. اما وی نوجوانی را دوره‌ای می‌داند که از حدود ۱۰ سالگی آغاز و در اوان بیست سالگی خاتمه می‌یابد (اشتینبرگ، ۱۳۸۴: ۵). شفرز دوره جوانی را به سه دوره تقسیم کرده است که اولین مرحله آن دوره ۱۳ تا ۱۸ سالگی (دوره بلوغ جنسی) که دوره جوانی به معنای محدود می‌باشد (شفرز، ۱۳۸۳: ۲۵). شومیکر رفتار انحرافی جوانانی که به سن قانونی

نرسیده‌اند را بزهکاری می‌نامد و جوانان مرتکب به این رفتارها را بزهکار می‌خواند (شومکر^۱، ۱۹۹۰: ۳). وی دوره جوانی را به دو بخش نوباوه و نوجوان تقسیم می‌کند که عمده نوجوانان در دبیرستان‌ها جای دارند (همان، ۱۹۹۰: ۵-۷). در این مطالعه با توجه به دیدگاه اشتینبرگ و با عنایت به محدودیت‌های تحقیق جوانان دبیرستانی را که بین سنین ۱۵ تا ۱۸ سالگی هستند، انتخاب شدند، زیرا در دوره بلوغ جنسی به سر برده و در حال شکل دادن به هویت اجتماعی خود می‌باشند.

بزهکاری: برای مفهوم بزهکاری تعاریف مختلفی مطرح شده است. ساروخانی بزهکاری را تخطی از قوانین رسمی جامعه دانسته است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۵۲). حبیب احمدی بر این باور است که بزهکاری رفتاری است که با ارزش‌ها و هنجارها و به طور کلی انتظارات اجتماعی که به وسیله فرهنگ مسلط گروه یا جامعه تعریف می‌شود و فرد در آن زندگی می‌کند، مطابقت ندارد (احمدی^۲، ۱۹۹۵). احمد احمدی بزهکاری را طیفی از رفتارها می‌داند که هم در برگیرنده تخلف از قانون و هم تخلف از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی بدون قانون شکنی رسمی در بر می‌گیرد (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۳).

علیوردی‌نیا و همکارانش با مروری به مطالعات انجام شده داخلی و خارجی برای بزهکاری چهار بُعد خرابکاری، خشونت و پرخاشگری، دزدی و تقلب و نهایتاً کجروی‌های فرهنگی را مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها برای خرابکاری تخریب وسایل عمومی شهر و مدرسه و همچنین درون خانه را در نظر گرفته‌اند. برای خشونت و پرخاشگری درگیری خیابانی و درگیری در مدرسه، تهدید و ترساندن دیگران را انتخاب نموده‌اند. برای شاخص دزدی و تقلب، دزدی از خانه، برداشتن وسایل مغازه، نپرداختن پول بلیط، تقلب در امتحانات را در نظر گرفته‌اند. در نهایت برای شاخص‌های کجروی فرهنگی مزاحمت تلفنی، سیگار کشیدن، دیر به خانه برگشتن، پوشش نامناسب در مدرسه، بی‌احترامی به معلم، فرار از مدرسه، غیبت از مدرسه را بیان نموده‌اند (علیوردی‌نیا، ۱۳۷۸).

۱- Shoemaker

۲- Ahmadi

در مطالعه حاضر در ابتدا برای بُعد خرابکاری رفتارهای عینی از جمله «پاره کردن صندلی‌های وسایل نقلیه عمومی»، «خُرد کردن لامپ‌های معابر، مدرسه، ...»، «شکستن و یا نوشتن بر شاخه‌های درختان»، «راه رفتن بر روی چمن‌های پارک‌ها، ...»، «آسیب زدن بر صندوق‌های پستی، صدقات، ...»، «آسیب به اتومبیل‌های دیگران، ...»، «نوشتن بر روی صندلی مدرسه، ...»، «آسیب به بخاری مدرسه»، «شکستن شیشه‌های اماکن عمومی»، «پاره کردن تصاویر کتاب‌ها و یا مجلات کتابخانه»، «آسیب به علائم ترافیکی و تابلوهای راهنمایی و رانندگی»، و نهایتاً صدمه به «مجسمه‌های نصب شده در میدان‌های شهر و مانند آن‌ها» انتخاب شدند. در بُعد دزدی شاخص‌هایی همچون «برداشتن وسایل دوستان»، «برداشتن وسایل مدرسه انتخاب شدند. برای بُعد کجروی فرهنگی «فرار از مدرسه» و «فرار از خانه» انتخاب شدند. در نهایت برای پرخاشگری «توهین به همکلاسی‌ها» در نظر گرفته شد. اما همچنان که در بخش آمار توصیفی نیز نشان داده می‌شود، چهار عامل به دست آمد که تا حدودی با عوامل ارایه شده توسط علیوردی‌نیا و همکارانش متفاوت بود. یکی از عوامل به دست آمده برداشتن وسایل دوستان و وسایل مدرسه بود که آن را «دزدی» نام نهادیم. عامل دیگر شامل فرار از مدرسه و خانه و همچنین توهین و فحاشی به همکلاسی‌ها و دوستان بود که نام آن نیز «کجروی فرهنگی» گذاشتیم. اما سایر رفتارهای انحرافی به دو عامل تقسیم شدند. نخست رفتارهای «نوشتن یا نقاشی بر روی صندلی کلاس»، «راه رفتن بر روی چمن‌های پارک‌ها و ...» و «شکستن شاخه‌های درختان یا نوشتن بر روی تنه درختان» بود که آن را «خرابکاری ضعیف» نام نهادیم. سایر رفتارهای انحرافی که شامل «پاره کردن صندلی‌های وسایل نقلیه عمومی»، «خُرد کردن لامپ‌های معابر، مدرسه، ...»، «آسیب زدن بر صندوق‌های پستی، صدقات، ...»، «آسیب به اتومبیل‌های دیگران، ...»، «نوشتن بر روی صندلی مدرسه، ...»، «آسیب به بخاری مدرسه»، «شکستن شیشه‌های اماکن عمومی»، «پاره کردن تصاویر کتاب‌ها و یا مجلات کتابخانه»، «آسیب به علائم ترافیکی و تابلوهای راهنمایی و رانندگی»، و نهایتاً «صدمه به مجسمه‌های نصب شده در میدان‌های شهر و مانند آن‌ها»، «خرابکاری قوی» نام گذاری شدند.

از دانش‌آموزان انتخابی نواحی چهارگانه آموزش و پرورش خواسته شد تا پاسخ دهند که در سال گذشته تا چه اندازه اعمال زیر را انجام داده‌اند. پاسخ‌گویان در مقابل در گویه یکی از گزینه‌های «۰» هیچ‌گاه، «۱» یک‌بار، «۲» دو بار، «۳» سه بار، «۴» بیش از سه بار را انتخاب نموده‌اند. میانگین طیف کلی برابر با ۱۴/۱ و انحراف معیار آن برابر با ۱۲/۸۶ بود. همچنین ضریب پایایی یا آلفای کربناخ طیف بزهکاری برابر با ۰/۸۸ بود.

اوقات فراغت: زارعی و تندنویس اوقات فراغت را مجموعه فعالیت‌های می‌دانند که «شخص پس از رهایی از تعهدات و تکالیف شغلی، خانوادگی و اجتماعی با میل و اشتیاق به آن می‌پردازد و غرضش استراحت، تفریح و توسعه دانش، به کمال رساندن شخصیت خویش، به ظهور رساندن استعدادها و خلاقیت‌ها و بالاخره بسط مشارکت آزادانه در اجتماع است» (زارعی و تندنویس، ۱۳۸۲).

ین و همکارانش با استفاده از تحلیل عاملی در بین فعالیت‌های اوقات فراغت نوجوانان مکزیکی مورد مطالعه خود پنج عامل را یافته‌اند و آن‌ها را جامعه‌پذیری با دوستان بدون نظارت (حضور در محل‌های مختلف با دوستان مانند پارتنی، تماس تلفنی، حضور در خانه و یا بیرون از آن با دوستان)، فعالیت‌های فراغتی سازمان‌یافته (باشگاه‌های مدرسه، مشارکت در دسته‌ها و ...)، فعالیت‌های ورزشی سازمان‌یافته (تیم‌های مدرسه‌ای و مانند آن)، فعالیت‌های در خانه (تلفن به دوستان، مشاهده تلویزیون، مراقبت از خواهر یا برادر کوچک‌تر) و نهایتاً فعالیت‌های فراغتی خود‌هدایتی^۱ (ماه‌گیری، شکار، دوچرخه سواری و مانند آن) نام‌گذاری کرده‌اند (ین و همکاران^۲، ۱۹۹۹).

اگنیو و پترسون در مطالعه‌ای با بررسی پاسخ‌های پاسخ‌گویان خود ۱۰ نوع فعالیت اوقات فراغت را از یک‌دیگر متمایز ساخته‌اند که به شرح زیر می‌باشد: (۱) فعالیت‌های سازمان‌یافته (مانند تمرین‌های تیمی، روزنامه‌های مدرسه‌ای و یا فعالیت‌های کلیسایی)؛ (۲) فعالیت‌های اجتماعی (قرار ملاقات، حضور در پارتنی‌ها، گفت‌وگوی تلفنی، ملاقات دوستان، بازی با

۱-Self-directedleisureactivities

۲-Yin.

دوستان)؛ ۳) ولگردی یا وقت تلف کردن (مانند هیچ کاری انجام ندادن، رانندگی به قصد لذت)؛ ۴) سرگرمی منفعلانه (گوش دادن به نوار موسیقی، مطالعه، رادیو، تلویزیون، سینما، کنسرت‌ها، رویدادهای ورزشی). چنین فعالیت‌هایی ممکن است همراه با دیگران یا به تنهایی باشد. اگر این فعالیت‌ها با دیگران نیز باشد، اما تمرکز بر روی تعاملات اجتماعی نیست. بیشتر بر روی منبع خارجی سرگرمی همچون موسیقی یا تلویزیون متمرکز است؛ ۵) فعالیت‌های کارخانه (مانند گردگیری، پاک کردن منزل، نگه داری کودک، چمن زنی، کار در حیاط خانه، ...؛ ۶) رقابت‌های ورزشی (مانند فوتبال، بسکتبال، تنیس) شامل فعالیت‌های ورزشی رقابتی نظارتی (همچون مسابقات مدرسه‌ای یا لیگ‌های کوچک) یا غیر نظارتی می‌شود؛ ۷) ورزش‌های غیر رقابتی (دوچرخه سواری، اسب سواری، اسکیت سواری، شنا)؛ ۸) بازی، سرگرمی هنری و اسباب بازی (قالب دوزی، خیاطی، شطرنج، ...؛ ۹) موسیقی و هنر (شامل رقصیدن، گیتار زدن، نواختن پیانو، نقاشی، عکاسی، ...) و نهایتاً ۱۰) فعالیت‌های دیگر (مانند مسافرت، حضور در پارک، ...).

در تحقیق حاضر بر مبنای نوع‌شناسی اگنیو و پترسون و همچنین ین و همکارانش و با دخل و تصرف به شرح زیر چند محور اوقات فراغت مورد بررسی قرار گرفت. برای اوقات فراغت سازمان‌یافته که در واقع جامعه‌پذیری سازمان یافته می‌باشد، ۵ گویه (مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه، حضور در مجالس و مراکز مذهبی، کلاس‌های آموزشی و هنری و حضور در کتابخانه‌ها) طراحی شد. ضریب پایایی این گویه‌ها برابر با ۰/۶ بود.

برای جامعه‌پذیری بدون نظارت از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید ۶ گویه (تلفن همراه برای صحبت کردن، استفاده از بلوتوس، پیامک، چت کردن، حضور در کافی نت استفاده از اینترنت برای سایر موارد) استفاده شد. این گویه‌ها به آن دلیل انتخاب شدند که نقش روزافزونی در پر کردن اوقات فراغت مردم و به ویژه جوانان ایران بازی می‌کنند (خواجه‌نوری، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۵). ضریب پایایی این متغیرها برابر با ۰/۷۷ بود.

برای وقت تلف کردن یا ولگردی ۸ گویه (با دوستان بودن، گشت و گذار در خیابان‌ها، پاساژها، .. استراحت کردن، پرسه زدن بی‌هدف در خیابان‌ها، حضور در پارک‌ها و تفرج‌گاه‌ها،

گشت و گذار در خارج از شهر) انتخاب شد. آلفای این گویه‌ها برابر با ۰/۶۳ بود. برای سرگرمی‌های منفعلانه ۱۱ گویه (مشاهده برنامه‌های تلویزیون داخلی، ماهواره، گوش دادن به رادیوهای داخلی و خارجی، استفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای بازی‌های آنلایین و تی‌وی گیم، مطالعه کتاب‌های غیر درسی، استفاده از DVD، CD موسیقی، MP۳ player و رفتن به سینما و تئاتر) انتخاب شدند. برخی از گویه‌های این بُعد نیز (متأثر از تحولات فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین (ICT) هستند. برای مثال استفاده از DVD، CD موسیقی، MP۳ player). ضریب پایایی این گویه‌ها برابر با ۰/۷۲ بود.

برای ورزش‌های غیر رقابتی بیشتر به ورزش‌هایی توجه شد که تحت تأثیر جریان‌ات روز جامعه هستند. به بیان دیگر امروزه در ایران توجه به بدن یکی از دغدغه‌های زنان و جوانان است و این نیز متأثر از فرآیند جهانی شدن فرهنگی است (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۸). بنابراین ورزش‌هایی که بیشتر در جهت بدن سازی بودند (بدن سازی و تناسب اندام، تمرین یوگا، حرکات آیروبیک، استفاده از وسایل سبک کم کردن، پیاده روی) انتخاب شدند. ضریب آلفای این گویه برابر با ۰/۷۵ بود. همچنین برای فعالیت‌های اوقات به برخی از شیوه‌های مصرفی (صرف غذا در فست‌فودها، کافی شاپ، آرایش مو، حضور در رستوران، جستجوی لباس جدید در بوتیک‌ها) توجه شدند که امروزه توجه بسیاری از جوانان را به خود جلب کرده است. جوانان بخشی از اوقات فراغت خود را به تنهایی و یا با دوستان و آشنایان جهت حضور در این مکان‌ها سپری می‌کنند. این بُعد را که شیوه‌هایی جدید از مصرف می‌باشند، در بر گیرنده شیوه‌های نوین تغذیه و مد می‌باشند. از پاسخ‌گویان خواسته شد تا بگویند چند ساعت در هفته به فعالیت‌های فوق در خارج از مدرسه می‌پردازند. گزینه‌های پیش‌روی آن‌ها (۰ اصلاً ۱) کمتر از ۱ ساعت ۲) ۱-۵ ساعت ۳) ۵-۱۰ (۴) ۱۰-۲۰ (۵) ۲۰ به بالا بود. در مجموع، نتایج به دست آمده با یک‌دیگر ادغام شدند و یک متغیر وابسته تحت عنوان میزان اوقات فراغت به دست آمد. ضریب آلفای این گویه‌ها برابر با ۰/۸۳ بود.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

جدول ۱ نشان دهنده آن است که بیشترین بزهکاری نوجوانان مربوط به بُعد خرابکاری می‌باشد (میانگین = $7/8$ و انحراف معیار = $9/18$). دزدی و تقلب دومین بُعد مهم را تشکیل داده است (میانگین = $3/39$ و انحراف معیار = $2/64$). سومین بُعد مربوط به پرخاشگری است (میانگین = $2/0$ و انحراف معیار = $1/74$). در نهایت انحرافات فرهنگی چهارمین بُعد را به خود اختصاص داده است (میانگین $1/26$ و انحراف معیار = $2/45$).

پیش از پرداختن به فرضیيات تحقیق لازم است تا ابعاد بزهکاری نوجوانان مورد بررسی قرار گیرند. بدین جهت برای رسیدن به این مقصود از تکنیک آماری تحلیل عاملی سود جسته‌ایم (جدول ۲). بر این اساس چهار عامل وجود دارد که هر یک شامل تعدادی از شاخص‌ها می‌گردد. به بیان دیگر، به عبارت دیگر بزهکاری دارای چهار بُعد اساسی است. بُعد اول، خرابکاری قوی است. با توجه به جدول "صدمه به مجسمه‌های نصب شده در میدان‌ها، پارک‌ها..." با بالاترین بار عاملی بیشترین سهم را در تشکیل این بُعد داشته است. ضریب عاملی این فن‌آوری ($0/825$) نشان‌دهنده اهمیت بالای آن است. دومین بُعد بزهکاری "کجروی فرهنگی" است. اولین شاخص این بُعد فرار از مدرسه "نشان‌دهنده آن است که این متغیر بیشترین بار عاملی را در تشکیل این بُعد داشته است. ضریب عاملی این شاخص ($0/803$) نشان‌دهنده اهمیت بالای آن در این بُعد می‌باشد. سومین بُعد بزهکاری "خرابکاری ضعیف" است. اولین شاخص این بُعد "نوشتن یا نقاشی بر روی صندلی کلاس" ضریب عاملی ($0/693$) نشان می‌دهد که این شاخص از اهمیت بالایی در این بُعد داشته است. در نهایت بُعد چهارم یا "دزدی" بوده است. ضریب عاملی اولین شاخص آن یعنی "برداشتن وسایل مدرسه" برابر با ($0/750$) بود که بیانگر اهمیت بالای این شاخص در این بُعد بوده است.

بر پایه نتیجه جدول شماره ۲ و با توجه به آماره K.M.O در تمام ابعاد، می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بوده و نتیجه آزمون بارتلت نیز معنی‌دار است. در واقع، میزان حداقل خطا $Sig=0/05$ دارای سطح معناداری بالا و سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ می‌باشد. به عبارت دیگر، کلیه عناصر به کار رفته برای هر بُعد، قدرت تبیین‌کنندگی مورد نظر را برای متغیر وابسته داشته‌اند.

جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب گویه‌های بزهکاری

نام گویه	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره	نام گویه	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
پاره کردن صندلی وسایل حمل و نقل عمومی	۰/۳۳	۰/۹۳	۰	۴	صدمه به گوشی کیوسک تلفن های عمومی	۰/۳	۰/۹	۰	۴
خرد کردن لامپ روشنایی معابر، مدرسه، ...	۰/۲۲	۰/۸۷	۰	۴	صدمه به مجسمه های نصب شده در میدان ها، ...	۰/۱۷	۰/۸۲	۰	۴
شکستن یا نوشتن بر روی تهِ یا شاخه درختان	۰/۸۸	۱/۳	۰	۵	صدمه به اموال دیگران	۰/۲۶	۰/۸۳	۰	۴
راه رفتن بر روی چمن های پارک ها	۲/۵۸	۱/۶۸	۰	۴	برداشتن وسایل دوستان	۰/۳۳	۰/۹۵	۰	۴
آسیب زدن به صندوق های پستی، صدقات ...	۰/۱۷	۰/۷۱	۰	۴	برداشتن وسایل مدرسه	۰/۲۴	۰/۸۱	۰	۴
آسیب به اتومبیل های کنار خیابان	۰/۲۶	۰/۸۴	۰	۴	تقلب در امتحانات	۲/۶۲	۱/۷۱	۰	۴
نوشتن یا نقاشی بر روی صندلی کلاس	۱/۵۱	۱/۶۷	۰	۵	فرار از مدرسه	۰/۵۹	۱/۳	۰	۵
آسیب به بخاری مدرسه	۰/۲۱	۰/۷۵	۰	۴	فرار از خانه	۰/۴۴	۰/۱۵	۰	۵
شکستن شیشه ی اماکن عمومی	۰/۲۲	۰/۷۹	۰	۴	توهین به همکلاسی ها	۲/۰	۱/۷۴	۰	۵
پاره کردن تصاویر کتاب ها یا مجلات کتابخانه	۰/۳۹	۱/۰۵	۰	۴	بزهکاری کلی	۱۴/۱	۱۲/۸۶	۰	۸۱
آسیب به علائم ترافیک و تابلوهای راهنمایی و رانندگی	۰/۲۳	۰/۸۱	۰	۴					

جدول ۲- نتایج تحلیل عاملی بزهکاری در بین دانش آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز

نتیجه‌ی کلی	ابعاد	عامل‌های بزهکاری				اجزای بزهکاری
		عامل چهارم	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	
KMO = ,۰۹۳ Sig = ,۰۰۰	بزهکاری				۰/۸۲۵	صدمه به مجسمه های نصب شده در میدان‌ها، پارک‌ها...
					۰/۸۰۶	آسیب به علائم ترافیک و تابلوهای راهنمایی و رانندگی
					۰/۸۶۱	صدمه به گوشی کیوسک تلفن های عمومی
					۰/۸۰۰	آسیب زدن به صندوق های پستی، صدقات ...
					۰/۶۹۰	شکستن شیشه‌ی اماکن عمومی
					۰/۶۵۸	آسیب به اتومبیل های کنار خیابان
					۰/۶۳۹	صدمه به اموال دیگران
					۰/۶۰۳	آسیب به بخاری مدرسه
					۰/۵۷۸	خرَد کردن لامپ روشنایی معابر، مدرسه، ...
					۰/۴۸۹	پاره کردن تصاویر کتاب ها یا مجلات کتابخانه مدرسه یا عمومی
					۰/۴۴۵	پاره کردن صندلی وسایل حمل و نقل عمومی
			بزهکاری فرهنگی		۰/۸۰۳	فرار از مدرسه
				۰/۵۰۹	توهین به دوستان یا همکلاسی‌ها	
				۰/۴۵۰	فرار از خانه	
			بزهکاری ضعیف		۰/۶۹۳	نوشتن یا نقاشی بر روی صندلی کلاس
				۰/۵۵۷	راه رفتن بر روی چمن های پارک ها	
				۰/۴۳۱	شکستن شاخه های درختان یا نوشتن بر روی تنه ی درختان	
	دزدی		۰/۷۵۰	برداشتن وسایل مدرسه		
		۰/۵۴۰	برداشتن وسایل دوستان			

یافته‌های استنباطی

در اینجا به بررسی فرضیات تحقیق با استفاده از تکنیک‌های آمار استنباطی می‌پردازیم. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، میزان بزهکاری پسران دانش‌آموز بیش از دختران دانش‌آموز می‌باشد. تفاوت میانگین بین دو گروه در سطح بیش از ۹۵٪ اطمینان معنی‌دار بوده است.

جدول ۳- آزمون تفاوت میانگین بزهکاری پاسخ‌گویان بر حسب جنسیت آن‌ها

متغیر مستقل	مقوله‌های متغیر مستقل	تعداد موارد	میانگین	مقدار T	سطح اطمینان
جنسیت	مرد	۲۵۹	۱۶/۹۱	۴/۸۱	۰/۰۰۰
	زن	۲۸۹	۱۱/۵۸		

جدول ۳ نشان می‌دهد که بیشترین ضریب همبستگی (۰/۳۷) در سطح بیش از ۹۹٪ بین ابعاد اوقات فراغت و میزان بزهکاری دانش‌آموزان مربوط وقت تلف کردن بوده است. سطح معنی‌داری این بُعد نشان می‌دهد که رابطه نسبتاً قوی بین این دو متغیر وجود دارد. همچنین به جز بُعد فعالیت‌های فراغتی سازمان یافته سایر ابعاد در تحلیل دو متغیره دارای رابطه معنی‌دار با متغیر بزهکاری نوجوانان بوده‌اند. اگر چه فعالیت‌های فراغتی سازمان یافته دارای رابطه معنادار نبوده‌اند، اما در تحلیل رگرسیونی با کنترل سایر متغیرها دارای رابطه معنی‌دار می‌باشد. همچنین مشاهده می‌شود که به جز متغیر فوق، ابعاد مختلف دیگر اوقات فراغت که همگی در این ویژگی که تحت نظارت اجتماع نمی‌باشند، با بزهکاری نوجوانان رابطه مثبت بوده‌اند. به بیان دیگر هرچه دانش‌آموزان در فعالیت‌های فراغتی سازمان یافته بیشتر شرکت کنند، کمتر در فعالیت‌های بزهکارانه درگیر می‌شوند.

جدول ۴- رابطه‌ی بین محورهای مختلف اوقات فراغت با بزهکاری جوانان

متغیر	ضریب I	سطح معناداری
فعالیت‌های فراغتی سازمان یافته	-۰/۰۷۱	۰/۱۱۴
جامعه‌پذیری بدون نظارت	۰/۳۰۰	۰/۰۰۰
وقت تلف کردن	۰/۳۷۴	۰/۰۰۰
سرگرمی‌های منفعلانه	۰/۱۷۵	۰/۰۰۰
ورزش‌های غیر رقابتی	۰/۱۴۳	۰/۰۰۰
شیوه‌های تغذیه و مد	۰/۲۶۲	۰/۰۰۰

همان‌گونه که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی چندگانه در مرحله‌ی آخر برابر با ۰/۴۷ ، و ضریب تعیین مساوی ۰/۲۳ بوده است که بیانگر این مطلب است که تقریباً ۲۲٪ بزهکاری نوجوانان توسط متغیرهای موجود (اوقات فراغت و جنسیت آن‌ها) در مدل تبیین می‌شود. بدین ترتیب ۷۸٪ از تغییرات بزهکاری نوجوانان (واریانس باقیمانده) تحت تأثیر سایر متغیرهایی است که در مدل نیامده‌اند. آماره‌های جدول ۴ گویای این واقعیت است که هرچه نوجوانان بیشتر وقت خود را با دوستان، در گشت و گذارهای خیابانی و یا بیرون از شهر، پرسه زدن بی‌هدف و یا استراحت در خانه بگذرانند، احتمال آنکه رفتارهای بزهکارانه در آن‌ها افزایش یابد، بیشتر خواهد بود. به عبارتی به ازاء هر واحد در میزان وقت تلف کردن آن‌ها، ۰/۳۱ بر میزان بزهکاری آن‌ها افزوده می‌شود. دخترها نسبت به پسرها از بزهکاری کمتری برخوردار هستند (بتا=۰/۲۵-). از سوی دیگر به ازاء هر واحد افزایش در فعالیت‌های اوقات فراغتی که جوانان بدون نظارت اجتماعی انجام می‌دهند، ۰/۱۶ بر میزان بزهکاری آن‌ها افزوده می‌شود. و در نهایت هر چه نوجوانان در فعالیت‌های فراغتی سازمان یافته شرکت کنند، ۰/۱۳- از میزان بزهکاری آن‌ها کاسته می‌شود. بنابراین فرض اینکه بین فعالیت‌های اوقات فراغتی سازمان یافته و بزهکاری رابطه منفی وجود دارد و همچنین بین فعالیت‌های فراغتی بدون نظارت اجتماعی و بزهکاری رابطه مثبت وجود دارد، تأیید می‌شود.

جدول ۵ - متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس بزهکاری جوانان

مراحل	متغیرهای وارد معادله	R	R ²	مقدار F	سطح معنی‌داری	بتا	مقدار T	سطح معنی‌داری
اول	وقت تلف کردن	۰/۳۶۵	۰/۱۳۳	۵۶/۰۱	۰/۰۰۰	۰/۳۱۱	۵/۵۴	۰/۰۰۰
دوم	جنسیت (دختر)	۰/۴۳۹	۰/۱۹۲	۴۳/۲۵	۰/۰۰۰	-۰/۲۴۹	-۵/۳۶	۰/۰۰۰
سوم	جامعه‌پذیری بدون نظارت	۰/۴۵۵	۰/۲۰۷	۳۱/۴۶	۰/۰۰۰	۰/۱۵۸	۲/۸۲	۰/۰۰۵

سال هفتم	مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد					۵۰
۰/۰۰۵	-۲/۸۱	-۰/۱۳۲	۰/۰۰۰	۲۶/۰۲	۰/۲۲۵	۰/۴۷۳
اوقات فراغت						چهارم
سازمان یافته						

نتیجه گیری

مطالعه حاضر به بررسی رابطه اوقات فراغت نوجوانان و میزان بزهکاری آن‌ها پرداخته است. با مرور مطالعات انجام شده و نظریات موجود، چارچوب نظری تحقیق بر مبنای نظریه فشار طراحی شد. جهت سنجش فعالیت‌های اوقات فراغت برخی از ابعاد کار آگنیو و پترسن با تقسیم‌بندی ین و همکارانش ادغام شدند. برای سنجش بزهکاری نوجوانان نیز بزهکاری ارایه شده توسط علیوردی‌نیا (علیوردی‌نیا، ۱۳۷۸) اخذ شد. مطالعه حاضر همچون نتایج به دست آمده از کارهای احمدی و همکارانش (۱۳۸۰)، مشکانی و مشکانی (۱۳۸۱) و همچنین علیوردی‌نیا و آرمان مهر (۱۳۸۷) نشان داد که بین فعالیت‌های اوقات فراغت و بزهکاری رابطه مثبت معناداری وجود دارد. اما در مطالعات آن‌ها متغیر اوقات فراغت به اجزای تشکیل دهنده خود تجزیه نشده بود و نمی‌توانستیم مشخص کنیم که در کدامیک از ابعاد فعالیت‌های اوقات فراغت با بزهکاری دارای رابطه مثبت و معنادار می‌باشد.

نتایج به دست آمده نشان داد که دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های اوقات فراغتی سازمان یافته شرکت داشته‌اند، میزان کمتری از بزهکاری در آن‌ها مشاهده شده است. نتایج تحقیقات پیشین نیز یافته‌های این تحقیق را حمایت می‌کنند (ین و همکاران، ۱۹۹۹؛ آگنیو و پترسن، ۱۹۸۹). اما مطالعه حاضر نشان داد که سرگرمی‌های منفعلانه در جامعه ما در کل دارای رابطه مثبت می‌باشد و این با نتایج آگنیو و پترسون متفاوت است. یکی از دلایل این امر می‌تواند تفاوت در انتخاب گویه‌ها باشد. آگنیو گوش دادن به نوار موسیقی و رادیو، مشاهده تلویزیون، مطالعه، حضور در سینما و یا رویدادهای ورزشی را انتخاب کرده است. اما در جامعه ما رویدادهای ورزشی همچون کشورهای غربی نیست و تعداد و استقبال از آن‌ها نیز به

مانند کشورهای غربی نیست. به خصوص که در شهر شیراز می‌توان این تفاوت محسوس را در نظر داشت. همچنین میزان سرانه مطالعه در ایران بسیار کم است. از سوی دیگر گسترش فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی و در این مورد خاص MP3 Player, CD, DVD، ویدئو، بازی‌های رایانه‌ای و همچنین تی وی گیم چه در خانه و چه در ویدئوکلپ‌ها و مانند آن‌ها و همچنین ماهواره تا حدود زیادی در حال پر کردن اوقات فراغت جوانان می‌باشند. این اقلام در کارهای اگنیو و پترسون مورد توجه قرار نگرفته‌اند (آگنیو و پترسن، ۱۹۸۹). در بسیاری از بازی‌های مجازی خشونت به نمایش در می‌آید. همچنین فیلم‌های اکشن نیز که با استقبال جوانان روبه‌رو است، خود بر این وضعیت دامن می‌زند. برای همین نیز است که خرابکاری و خشونت در مطالعه حاضر از میانگین بالایی برخوردار بوده‌اند.

در مطالعه اگنیو و پترسن ورزش‌های غیر رقابتی با بزهکاری دارای رابطه منفی بوده‌اند اما در این مطالعه این رابطه مثبت است. از دلایل این تفاوت می‌تواند انتخاب اقلام ورزش‌های غیر رقابتی باشد که نتایج این تحقیق را با نتایج کار اگنیو و پترسون متفاوت می‌سازد. ورزش‌های غیر رقابتی حاضر بعضاً با فرهنگ عمومی حاکم در کشور هماهنگ نیستند و محصول فرهنگ جهانی هستند. به باور این مطالعه ورزش‌هایی همچون بدن سازی، تمرین یوگا، حرکات آیروبیک، استفاده از وسایل سایز کم کردن، پیاده روی‌های عمومی در پارک‌ها، حاشیه خیابان‌ها در جامعه شهری (برای مثال در حاشیه بلوار چمران شهر شیراز و همچنین پارک‌های عمومی آن) به شدت در حال رواج است و این خود نتیجه دگرگونی در رفتارهای عینی و ذهنی جوانان است. این پدیده متأثر از تحولات جهانی و با آن هم‌خوانی دارد (خواججه‌نوری، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۵).

به طور کلی متغیرهای استفاده شده اگنیو و پترسن برای بزهکاری با اقلام انتخابی این تحقیق متفاوت است. در کار آن‌ها رفتارهایی همچون سرقت‌های بالای ۵۰ دلار، ماشین دزدی،

درگیری شدید بدن، درگیری و کتک زدن به والدین و مانند آن‌ها مطرح شده‌اند که در جامعه ما در بین نوجوانان دبیرستانی رواج ندارند.

همچنان‌که گفته شد، فعالیت‌های سازمان یافته اوقات فراغتی با بزهکاری دارای رابطه منفی می‌باشند. از سوی دیگر فعالیت‌های سازمان نیافته دارای رابطه مثبت و معنادار می‌باشند. لذا مسئولانی که به نوعی با امور جوانان سروکار دارند، می‌باید تا آنجا که می‌شود برنامه‌هایی برای افزایش فعالیت‌های اجتماعی اوقات فراغتی از نوع سازمان یافته تهیه کنند و جوانان و نوجوانان را در این فعالیت‌ها مشارکت دهند. همچنین فعالیت‌های اوقات فراغتی غیر سازمان یافته نیز می‌توانند، به نوعی در نظارت قرار گیرند. برای مثال کلوپ‌هایی که به ارایه بازی‌های رایانه‌ای و تی‌وی‌گیم و پلی استیشن مشغولند تحت نظارت و سرپرستی افرادی قرار گیرند که در حوزه مطالعات جوانان دارای تجربه بوده و بتوانند ضمن عرضه بازی‌ها بر روی رفتارهای نوجوانان نظارت بیشتری کنند. همچنین والدین باید آموزش‌های کافی در خصوص استفاده از اینترنت و رایانه، تلفن همراه و امکانات آن و همچنین مدیریت گیرنده‌های ماهواره‌ای کسب کنند تا بتوانند بر رفتارهای جوانان خود بیشتر نظارت کنند. همچنین در گیرشدن بیشتر والدین در اوقات فراغت جوانان و همراهی آن‌ها در برخی از فعالیت‌های تفریحی همچون گشت و گذار خارج از شهر و ... موجب می‌شود تا جوانان دلبستگی بیشتری با خانواده و به خصوص والدین خود داشته باشند و همین امر می‌تواند به افزایش پیوند والدین و فرزندان و در نهایت نظارت اجتماعی بیشتر والدین بر اوقات فراغت فرزندانش بینجامد.

فهرست منابع

- احمدی، ا (۱۳۷۸): روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، تهران، نخستین.
- احمدی، ح (۱۳۸۴): جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، انتشارات سمت.
- احمدی، ح و مقدس، ع.ا. و خواجه نوری، ب (۱۳۸۰): "بررسی تطبیقی رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان دبیرستان‌های نظام قدیم و جدید شهر شیراز"، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۱۶، شماره ۲، پیاپی ۳۲، صص ۱۹۳-۲۰۶.
- اشتینبرگ، ل (۱۳۸۴): *نوجوانی*، ترجمه فرهاد ماهر، تهران، سازمان ملی جوانان.
- تندنویس، ف (۱۳۸۱): "جایگاه ورزش در اوقات فراغت زنان ایرانی"، *حرکت*، (پیاپی ۱۲)، صص. ۸۷-۱۰۴.
- گیدنز، آ (۱۳۷۸): *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- جلایی‌پور، ح.ر و حسینی‌نثار، م (۱۳۸۷): "عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان در رشت"، *پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی*، شماره ۸(۲)، صص ۷۷-۱۰۲.
- خواجه نوری، ب و مقدس، ع.ا (۱۳۸۸): "جهانی شدن و تصور بدن: مطالعه موردی: زنان شهرهای تهران، شیراز و استهبان"، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان علوم انسانی، ویژه‌نامه علوم اجتماعی* (زیر چاپ).
- خواجه نوری، ب (۱۳۸۷): "بررسی عوامل مؤثر بر نگرش نقش جنسیتی دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان آباد"، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان علوم انسانی، ویژه‌نامه علوم اجتماعی*، جلد ۲۸، شماره ۷، صص ۱۱۵-۱۳۵.
- (۱۳۸۵ الف): "بررسی رابطه مؤلفه‌های جهانی شدن و مشارکت اجتماعی زنان، مطالعه موردی: تهران، شیراز و استهبان" *رساله دکتری دانشگاه شیراز*.
- قریشی‌زاده، م.ع و حسینی، ق (۱۳۷۹): "بررسی شیوع عوامل روانی و اجتماعی در بزهکاری نوجوانان"، *مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز*، ۳۴ (۴۷)، صص ۲۵-۳۰.
- ساروخانی، ب (۱۳۸۲): *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ هشتم، جلد اول.
- شفرز، ب (۱۳۸۳): *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*، ترجمه کرامت‌ا. راسخ، تهران، نشر نی.

- زارعی، ع و تندنویس، ف (۱۳۸۲): "مقایسه نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان علوم پزشکی کشور با دانشجویان دانشگاه‌های غیرپزشکی و آزاد"، *علوم حرکتی و ورزش*، (۲)، صص ۱۸-۲۵.
- علیوردی‌نیا، ا و شارع‌پور، م و ورمزیار، م (۱۳۸۷): "سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری"، *پژوهش زنان*، دوره ۶، شماره ۲، صص. ۱۰۷-۱۳۲.
- علیوردی‌نیا، ا و آرمان‌مهر، و (۱۳۸۷): "فعالیت‌های ورزشی و بزهکاری: آزمون تجربی نظریه پیوند اجتماعی هیرشی"، *نشریه علوم حرکتی و ورزش*، سال ششم، شماره ۱۲، صص ۱۳۳-۱۴۱.
- محسنی، م (۱۳۸۶): *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، تهران، انتشارات طهوری.
- مشکانی، م.ر و مشکانی، ز (۱۳۸۱): "سنجش تاثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان (آزمون تجربی نظریه ترکیبی کنترل اجتماعی و پیوند افتراقی)"، *مجله جامعه‌شناسی ایران* دوره ۴، شماره ۲، صص ۳-۲۵.
- هاشمیان، م (۱۳۸۱): "بررسی عوامل خانوادگی موثر بر فرار دختران نوجوان بزهکار"، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار (اسراز)، سال نهم، شماره ۲، صص ۵۰-۵۷.
- Ahmadi, Habib (۱۹۹۵): "Juvenile delinquency in the Illawara region" Australia: *University of Wollongong*, (PH.D.thesis).
- Agnew, R. (۱۹۸۵): "Social control theory and delinquency: A longitudinal test", *Criminology*, Vol. ۲۳, pp. ۴۷-۶۱.
- (۱۹۸۵): "A revised strain theory of delinquency." *Social Forces*, Vol. ۶۴, pp. ۱۵۱-۶۷
- (۱۹۸۹): "A longitudinal test of the revised strain theory." *Journal of Quantitative Criminology*, Vol. ۵, pp. ۳۷۳-۳۸۷.
- (۱۹۸۹): "Leisure and Delinquency", *Social Problems*, Vol. ۳۶, No. ۴, pp. ۳۳۲-۳۵۰.
- (۱۹۹۲): "Foundation for a general strain theory of crime and delinquency." *Criminology*, Vol. ۳۰, pp. ۴۷-۸۷.
- Agnew, R., & Petersen, D.M. (۱۹۸۹): "Leisure and Delinquency", *Social Problems*, Vol. ۳۶, No. ۴, pp. ۳۳۲-۳۵۰.
- Agnew, R., & White, H.R. (۱۹۹۲): "An empirical test of general strain theory." *Criminology*, Vol. ۳۰, pp. ۴۷۵-۴۹۹.

- Akker, O.B.A. V., & Lees, S. (۲۰۰۱): " Leisure Activities and Adolescent Sexual Behaviour", *Sex Education*, Vol. ۱, No. ۲, pp. ۱۳۷-۱۴۷.
- Backer, R. & Mehlkop, G. (۲۰۰۶): " An empirical utilization of rational choice theory with cross-sectional data of the ۱۹۹۰ and ۲۰۰۰ GERMAN general population surveys (ALLBUS), *Rationality and Society*, Vol. ۱۸, No.۲, pp. ۱۹۳-۲۳۵.
- Baron, S.W., Forde, D.R., & Kay, F.M. (۲۰۰۷): " Self-control, risky lifestyles, and situation: The role of opportunity and context in the general theory", *Journal of Criminal Justice*, Vol. ۳۵, pp. ۱۱۹-۱۳۶.
- Basilevsky, A. (۱۹۷۵): " Social class and delinquency in London boroughs", *Social Indicators Research*, Vol.۲, No.۳, pp. ۲۸۷-۳۱۳.
- Brownfield, D. & Thompson, K. (۲۰۰۵): " Self-concept and delinquency: The effects of reflected appraisals by parent and peers", *Western Criminology Review*, ۶(۱), ۲۲-۲۹.
- Caldwell, L.L., & Darling, N. (۱۹۹۹): " Leisure context, parental control, and resistance to peer pressure as predictors of adolescent partying and substance use: An ecological perspective", *Journal of Leisure Research*, Vol.۳۱, No.۱, pp. ۵۷-۷۷.
- Grekin, E.R., Brennan, P.A., & Hammen, C. (۲۰۰۴): " Parental alcohol use disorders and child delinquency: the mediating effects of executive functioning and chronic family stress", *Journal of Studies on Alcohol*, Vol. ۶۶, No.۱, pp.۱۴-۲۲.
- Heimer, K. & Matsueda. R. (۱۹۹۴): "Role-taking, role commitment, and delinquency: A theory of differential social control." *American Sociological Review*, Vol. ۵۹, pp. ۳۶۵-۳۹۰.
- Humbert, M. L., Chad, K. E., Spink, K. S., Muhajarine, N., Anderson, K. D., Bruner, M. W., Girolami, T. M., Odnokon, P., Gryba, C. R. (۲۰۰۶): " Factors That Influence Physical Activity Participation Among High- and Low-SES Youth", *Qualitative Health Research*, Vol. ۱۶ No. ۴, pp. ۴۷۷-۴۸۳
- Hay, C., & Evans, M. M. (۲۰۰۶): " Violent victimization and involvement in delinquency: Examining predictions from general strain theory", *Journal of Criminal Justice*, Vol. ۳۴, pp. ۲۶۱-۲۷۴.

- Iso-Ahola, S.E., & Crowley, E.D. (۱۹۹۱): "Adolescent substance abuse and leisure boredom", *Journal of leisure*, Vol. ۲۴, pp. ۲۶۰-۲۷۱.
- Iso-Ahola, S.E., & Weissinger, E. (۱۹۸۷): "Leisure and boredom", *Journal of Social & Clinical Psychology*, Vol. ۵, pp. ۳۵۶-۳۶۴.
- Karvonen, S., West, P. Sweeting, H., Rahkonen, O. & Young, R. (۲۰۰۱): " Lifestyle, social class and health-related behavior: a cross-cultural comparison of ۱۵ year olds in Glasgow and Helsinki", *Journal of Youth Studies*, vol. ۴, pp. ۳۹۳-۴۱۳.
- Kelly, K.J, Comello, M.L.G., & Edwards, R.W. (۲۰۰۴): "Attitudes of rural middle-school youth toward alcohol, tobacco, drugs, and violence", *The Rural Educator*, ۱۹-۲۴
- Kwon, Hee-Kyung (۲۰۰۱): " Risk and protective factors for adolescent delinquency", *Journal of Korean Home Economics Association English Edition*, Vol. ۲, No. ۱, pp. ۱۳۵-۱۵۲.
- Patterson, I. (۲۰۰۰): "Exploring the links between leisure boredom and alcohol use among youth in rural and urban areas of Australia", *Journal of Park and Recreation Administration*, Vol. ۱۸, No. ۳, pp. ۵۳-۷۵.
- Patterson, G.R., & Stouthamer-Loeber, M. (۱۹۸۴): " The Correlation of Family Management Practices and Delinquency", *Child Development*, Vol. ۵۵, No. ۴, pp. ۱۲۹۹-۱۳۰۷.
- Phillips, J.C., & Kelly, D.H. (۲۰۰۹): " School failure and delinquency which causes which? *Criminology*, Vol. ۱۷, Issue ۲, pp. ۱۹۴ - ۲۰۷.
- Phillip, S, F, (۱۹۹۸): Race and gender differences in adolescent peer group approval of leisure activities. *Joumat of Leisure Research*, ۳, ۲۱۴-۲۳۳.
- Robertson, B. (۱۹۹۴): "Leisure in the lives of male adolescents who engage in delinquent activity for excitement", *Journal of Park nd Recreation Administration*, Vol. pp. ۲۹-۴۶.

- Roos, E.B., Karvonen, S., & rahkonen, o. (۲۰۰۴): "Lifestyles, social background and eating patterns of ۱۵-year-old boys and girls in finland", *Journal of Youth studies*, Vol. ۷, No.۳, pp. ۳۳۱-۳۴۹.
- Schreck, C.J., Stewart, E.A., & Fisher, B.S. (۲۰۰۶): " Self-control, victimization, and their influence on risky lifestyles: A longitudinal analysis using panel data", *Journal Quant Criminology*, Vol. ۲۲, pp.۳۱۹-۳۴۰.
- Smith, S., Kern, R.M., Cuurlette, W.L., Mullis, F. (۲۰۰۱): "lifestyle profiles and interventions for aggressive adolescents", *The Journal of Individual Psychology*, Vol. ۵۷, No. ۳, pp. ۲۲۴-۲۴۵.
- Shoemaker, D.J. (۱۹۹۰): *Theories of Delinquency*, New York: Oxford University Press.
- Thompson, A. M., Humbert, M. L., & Mirwald, R. L. (۲۰۰۳): "Alongitudinal study of the impact of childhood and adolescent physical activity experiences on adult physical activity perceptions and behaviours". *Qualitative Health Research*, ۱۳, pp. ۳۵۸-۳۷۷, ۲۰۰۳.
- Walker, H.M., & Sprague, J.R. (۱۹۹۹): "The path to school failure, delinquency, and violence: Causal factors and some potential solutions", *Intervention in School and Clinic*, Vol. ۳۵, No. ۲, pp. ۶۷-۷۳.
- Wegner, Lisa, Alan J.Flisher , Martie Muller & Carl Lombard (۲۰۰۶): "Leisure Boredom and Substance Use Among High School Students in South Africa", *Journal of Leisure Research*, Vol. ۳۸, No. ۲, pp. ۲۴۹-۲۶۶.
- Yin,Z., Katims, D.S., & Zapata, J.T. (۱۹۹۹): " Participation in leisure activities and involvement in delinquency by Mexican American adolescents", *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, Vol. ۲۱ No. ۲, pp.۱۷۰-۱۸۵.
- Voydanoff, P., & Donnelly, B.W. (۱۹۹۸): " Parents' risk and protective factors as predictors of parental well-being and behavior", *Journal of Marriage and the Family* , Vol. ۶۰, No. ۲., pp. ۳۴۴-۳۵۵.

- Walker, H.M., & Sprague, J.R. (۱۹۹۹): "The path to school failure, delinquency, and violence: causal factors and some potential solutions", *Intervention in School and Clinic*, Vol. ۳۵, No. ۲, pp. ۶۷-۷۳.
- Wax, D. E. (۱۹۷۲): " Social class, race, and juvenile delinquency: A review of the literature", *Child Psychiatry and Human Development*, Vol.۳, No. ۱, pp.۳۶-۴۹.
- Wegner, Lisa, Alan J.Flisher , Martie Muller & Carl Lombard (۲۰۰۶): "Leisure Boredom and Substance Use Among High School Students in South Africa", *Journal of Leisure Research*, Vol. ۳۸, No. ۲, pp. ۲۴۹-۲۶۶.
- Yin,Z., Katims, D.S. & Zapata, J.T. (۱۹۹۹): " Participation in leisure activities and involvement in delinquency by Mexican American adolescents", *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, Vol. ۲۱ No. ۲, pp.۱۷۰-۱۸۵.

